مطالعات تاریخ اسلام
سال هفدهم، شمارهٔ ۶۷، زمستان ۱۴۰۴، مقالهٔ علمی- پژوهشی، صفحات ۱۳۳ -۱۵۴

تأملاتی بر روند برساخت سوژهٔ دینی در مکتب قرآن کردستان[۱]

حسام محمدزاده[۲]
علیرضا ملائی توانی[۳]
سید محمدرحیم ربانی‌زاده[۴]

چکیده: «جریان مکتب قرآن» در دههٔ پنجاه به رهبری احمد مفتی‌زاده، در واکنش به بحران‌های فکری و سیاسی جهان اهل سنت و جامعه کردستان شکل گرفت. این مکتب با هدف ایجاد حکومت دینی و برساخت سوژه دینی، به دنبال ارائهٔ چارچوبی برای مواجهه با مسائل معرفتی زمان خود بود. پژوهش حاضر با روش تبارشناسی فوکویی، به دنبال بررسی روند برساخت سوژه دینی در مکتب قرآن است و به دنبال پاسخ به این پرسش است که مکتب قرآن در چارچوب «رژیم حقیقت» خود چه معیارهایی را برای تعامل سوژهٔ مکتبی با دیگری‌های مکتب را شکل داده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که مکتب قرآن با تعریف رژیم حقیقت خود، معیارهای اخلاقی، فکری و فرهنگی مشخصی برای ارتباط سوژهٔ مکتبی با مسلمانان و غیرمسلمانان (اهل فتره، کافر، منافق) تعیین کرده است. این رژیم حقیقت، مرزهای کنشگری سوژه را در برابر دیگری‌ها مشخص می‌سازد.

واژه‌های کلیدی: سوژه دینی، مکتب قرآن، احمد مفتی‌زاده، فوکو، رژیم حقیقت

10.22034.17.67.5

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان «بررسی جایگاه سوژه کرد در مناسبات فکری و سیاسی عصر پهلوی دوم» در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی می‌باشد.

۲. دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، پژوهشکده تاریخ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران (نویسندهٔ مسئول). hesam3009@gmail.com https://orcid.org/0000-0003-1720-8062

۳. استاد پژوهشکده تاریخ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران. mollaiynet@yahoo.com https://orcid.org/0009-0004-1144-0543

۴. دانشیار پژوهشکده تاریخ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران. rabbanizadeh@ihcs.ac.ir https://orcid.org/0009-0008-9889-0027

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۲۸ تاریخ تأیید: ۱۴۰۴/۰۹/۱۰

Copyright: © 2020 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/).

A Quarterly Journal of HISTORICAL STUDIES OF ISLAM
Vol 17, No 67, Winter 2026
Research Center for Islamic History, http://journal.pte.ac.ir
Scientific-Research, pp. 133-154

Reflections on the Process of Constructing the Religious Subject in the Kurdestan Quranic School[1]

Hesam Mohammadzadeh[2]
Alireza Mollaei Tavani[3]
Seyed Mohammad Rahim Rabbanizadeh[4]

Abstract: The Quranic School movement, founded by Ahmad Muftizadeh in the 1970s, was a response to the intellectual and political crises faced by the Sunni world and Kurdish society. The movement aimed to build a religious government and a religious subject, offering a solution to the epistemological challenges of the time. This research, using a Foucauldian genealogical method, examines the process of constructing the religious subject, i.e. subjectivation, in the Quranic School and aims to answer the question: "What criteria did the Quranic School, within its regime of truth, set for the interactions of the school's subject with others in the school?" The findings indicate that by establishing its own regime of truth, the Quranic School set up particular ethical, intellectual, and cultural criteria for the interaction of the school's subject with Muslims and non-Muslims (ahl al-fatrah [people of the interval], unbelievers, and hypocrites).

Keywords: Religious subject, Quranic School, Ahmad Muftizadeh, Foucault, regime of truth.

10.22034.17.67.5

1. This article is adopted from a doctoral dissertation entitled "An Examination of the Position of the Kurdish Subject in the Intellectual and Political Relations of the Second Pahlavi Era" at the Institute for Humanities and Cultural Studie.
2. Ph.D. Candidate in Post-Islamic Iranian History, History Research Institute, Institute for Humanities and Cultural Studies Tehran, Iran (Corresponding Author).
hesam3009@gmail.com https://orcid.org/0000-0003-1720-8062
3. Professor of Post-Islamic Iranian History, History Research Institute, Institute for Humanities and Cultural Studies Tehran, Iran. mollaiynet@yahoo.com https://orcid.org/0009-0004-1144-0543
4. Associate Professor of Post-Islamic Iranian History, History Research Institute, Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran. rabbanizadeh@ihcs.ac.ir https://orcid.org/0009-0008-9889-0027
Receive Date: 2025/08/19 Accept Date: 2025/12/01
Copyright: © 2020 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/).

مقدمه

در بستر تحولات سیاسی-اجتماعی دههٔ ۱۳۵۰ در کردستان ایران، جریان دینی‌ای موسوم به «مکتب قرآن» به رهبری احمد مفتی‌زاده، با ارائهٔ خوانشی جدید از اسلام، درصدد برساخت و احیای حکومت و امت اسلامی و سوژهٔ دینی بود که هم در تقابل با گفتمان‌های چپ و ملی‌گرای کردی قرار داشت و هم از خوانش‌های سنتی طریقت‌های صوفیانه و روحانیت محافظه‌کار فاصله می‌گرفت. این جریان با تکیه بر سه منبع اصلی قرآن، سنت و اجماع و با تأکید بر مفهوم «أُولِي الْأَمْرِ» به مثابه شورای مردمی، تلاش کرد تا رژیم حقیقت خود را برسازد و در ادامه، سوژهٔ دینی مورد نظر خود را شکل دهد. مکتب قرآن با قرار دادن «انسان مؤمن» به عنوان دال مرکزی گفتمان خود، به مفصل‌بندی خاصی از عناصر هویتی دست زد. سوژه دینی مورد نظر در این پژوهش، کسی است که در چارچوب گفتمان‌ها و قدرت‌های مذهبی تعریف، ساخته و کنترل می‌شود. در این دیدگاه، سوژهٔ دینی نه صرفاً یک فرد باایمان، بلکه نتیجهٔ فرایندهای قدرت-دانش است که از طریق نهادهای دینی، دانش دینی و نظم‌های اجتماعی، انسان را در قالبی خاص شکل می‌دهند؛ یعنی انسان به عنوان «سوژه»، نتیجهٔ ساختارها و مناسبات قدرت و دانش است و خودآگاهی و رفتارهایش تحت تأثیر این مناسبات شکل می‌گیرد. البته انسان مؤمن بیشتر از منظر دینی و تجربی با دین و ایمان و باورهای دینی تعریف می‌شود؛ انسانی که براساس ایمان و باورهای مذهبی، رابطه‌های درونی با خدا یا وحی برقرار می‌کند و این رابطه برای او معنای زندگی و اخلاق را شکل می‌دهد. این انسان ممکن است درک فردی از دین داشته باشد که مبتنی بر اعتقاد، تجربه دینی و ارزش‌های اخلاقی است.

این مفصل‌بندی مکتب قرآن در نظام دانایی آن، از یک سو با منطق هم‌ارزی، تمام مؤمنان را حول محور امت واحده گرد هم می‌آورد و از سوی دیگر با منطق تفاوت، مرزهای روشنی با «دیگری‌های» خود ترسیم می‌کرد. در این تقسیم‌بندی، چپ‌ها به عنوان «شبه‌مردمی‌های کافر» (مفتی‌زاده، ۱۳۵۷ [پ]: تراک ۲، دقیقه ۸-۱۱)، مشایخ طریقت به عنوان «ضد مردمی‌های مرتجع» و ملاهای سنتی به عنوان «مزدوران دین‌فروش» معرفی می‌شدند (مفتی‌زاده، ۱۳۵۶ [الف]: د ۲۸-۳۰). این مرزبندی‌های گفتمانی به مکتب قرآن امکان می‌داد که همزمان هویت خود را شفاف تعریف کند و دشمنان خود را به صورت نمادین طرد کند. درواقع، مکتب با چنین مرزبندی‌هایی توانسته بود رژیم حقیقت خود را برسازد؛ نظام دانایی‌ای که مبانی، تعاملات و

نحوهٔ مواجهه با دیگری‌ها را تعیین می‌کرد.

این پژوهش بر آن است تا بر پایهٔ روش تفسیری و انتقادی و الهام از نظریهٔ رژیم حقیقت فوکویی، به بررسی روند برساخت سوژه دینی در مکتب قرآن کردستان به رهبری احمد مفتی‌زاده بپردازد و به این پرسش پاسخ دهد که طی چه فرایندهایی، در نظام دانایی مکتب سوژهٔ دینی تعریف و برساخته شده است؟

پیشینهٔ تحقیق

کتاب *آخرین مفتی کردستان* نوشتهٔ علی عزتیار (۲۰۱۶) عمدتاً به تاریخ تحولات سیاسی مکتب قرآن در دوران انقلاب و روابط این مکتب با اسلام سیاسی در کردستان پرداخته، اما به بنیان‌های اعتقادی، فکری و نحوهٔ برساخت انسان مکتبی توجهی نکرده است. مقالهٔ «اسلام‌گرایی در کردستان و چالش‌های ناسیونالیسم کردی» از جمال خسروی و حسین کچویان (۱۳۹۱) به وضعیت اسلام سیاسی و تطورات تاریخی گفتمان مکتب قرآن و مواجههٔ آن با چپ‌ها و ناسیونالیست‌ها تمرکز دارد. مقالهٔ «جریان مکتب قرآن کردستان؛ قرائتی نو در سلفی‌گری» نوشتهٔ عبدالملکی و فرمانیان (۱۳۹۵)، مکتب قرآن را به عنوان گونه‌ای بومی‌شده از سلفی‌گری بررسی کرده و وجوه مشترک آن با سلفی‌ها را نشان می‌دهد. محمد هادی‌فر (۱۳۹۸) در پایان‌نامهٔ خود به بررسی اندیشه‌های کلامی مکتب قرآن و نقدهای وارد بر آن پرداخته، اما هیچ اشاره‌ای به مفهوم انسان مکتبی و برساخت آن نکرده است. پایان‌نامهٔ دنیا راه‌حق (۱۳۹۱) نیز تأثیر مکتب قرآن بر مسائل سیاسی کردستان را بررسی کرده است. هرچند در این پایان‌نامه اشاراتی به اندیشه‌های مکتب قرآن شده، اما مفهوم انسان مؤمن و ماهیت آن در مکتب را مورد توجه قرار نداده است.

۱. بستر تحولات سیاسی-اجتماعی دههٔ ۱۳۵۰ کردستان ایران

تحولات فکری و سیاسی احمد مفتی‌زاده در بستر پرتلاطم دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ کردستان ایران شکل گرفت و به تکامل رسید. این دوره یکی از پرتحول‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین دوره‌های تاریخ معاصر کردستان بود که ساختارهای سنتی جامعه را تحت‌الشعاع قرار داد. در این برهه، کردستان شاهد تغییرات سیاسی، اجتماعی و نظامی عمیقی بود و به کانون مسائل مهم سیاسی

تبدیل شده بود. پس از فروپاشی جمهوری کردستان در ۱۳۲۵ (ولی، ۲۰۲۴: ۲۸)، حزب دموکرات کردستان به عنوان اصلی‌ترین جریان سیاسی، اگرچه تحت فشار رژیم شاه مجبور به فعالیت در کردستان عراق شده بود (بلوریان، ۲۰۰۸: ۱۷۹)، اما با برگزاری کنگره سوم در سال ۱۳۵۲ و انتخاب عبدالرحمن قاسملو به دبیرکلی، سازماندهی مجدد و کنشگری خود را افزایش داد (*اسناد حزب دموکرات کردستان*، ۱۴۰۰: ۳۶/۱–۳۷). همزمان با گسترش جنبش‌های چریکی، جریان چپ مارکسیستی با تأسیس سازمان کومله در اواخر دهه ۱۳۴۰ ظهور کرد و به نیروی اصلی مبارزه تبدیل شد که نه فقط با رژیم شاه، بلکه با حزب دموکرات نیز وارد درگیری گفتمانی و عملی گردید (مصطفی سلطانی، ۲۰۲۴: ۳۰۳؛ حسینی، ۲۰۲۱: ۱۶۵).

در چنین فضای متلاطم و چندقطبی، اسلام سیاسی به عنوان نیرویی واکنشی، در حال احیا بود. احمد مفتی‌زاده که در سال ۱۳۱۲ یا ۱۳۱۴ در سنندج متولد شده و تحصیلات حوزوی خود را در کردستان عراق گذرانده بود (حسامی، ۱۳۹۹: ۲۱/۱–۲۲)، در این بستر سیاسی بالید. نقطهٔ عطف اولیه فعالیت‌های او، سفر به تهران در اواخر دهه ۱۳۳۶ و برقراری ارتباط با حزب دموکرات کردستان بود. او در این دوره در انتشار *روزنامه کردستان* مشارکت داشت؛ هرچند درباره وابستگی این روزنامه به رژیم پهلوی روایت‌های متفاوتی وجود دارد (قانعی‌فرد، ۱۳۹۰: ۹۱–۹۲؛ حسامی، همان، ۱۷۳/۲). تجربهٔ بازداشت و زندان در سال ۱۳۴۲ به اتهام همکاری با حزب دموکرات، به اعتراف خودش دگرگونی بنیادینی در اندیشه او ایجاد کرد و پس از آزادی، تمام تلاشش را مصروف احیای حکومت اسلامی و وحدت امت اسلامی کرد (عبدالله، ۲۰۲۳: ۱۱۴–۱۱۵). او در دهه ۱۳۵۰ از مبارزات ضدّ سلطنتی حمایت کرد و با چهره‌های انقلابی شیعه، مانند شهید باهنر و دکتر شریعتی آشنا شد.

تأسیس مکتب قرآن به عنوان نقطهٔ اوج و تجلی گفتمان اسلامی مفتی‌زاده، مستقیماً در واکنش به این فضای گفتمانی کردستان شکل گرفت. او در خرداد ۱۳۵۶ در مریوان به تأسیس مدرسه قرآن اقدام و متعاقباً شعبه‌هایی در سنندج راه‌اندازی کرد (حسامی، ۱۳۹۹: ۳۸/۱). این نهاد که در سال ۱۳۵۹ و همزمان با عزیمت او به کرمانشاه به «مکتب قرآن» تغییر نام داد، نشان از تطور آن به یک جریان فکری منسجم با اصول مشخص داشت. این جریان تلاش می‌کرد سوژهٔ دینی خود را در فضای به شدت متأثر از گفتمان‌های ناسیونالیستی کردی و مارکسیستی کومله بازتعریف کند (خسروی و کچویان، ۱۳۹۱: ۵۲). پس از انقلاب، مفتی‌زاده

به دلیل مخالفت با ماده ۱۲ قانون اساسی که مذهب شیعه را به عنوان مذهب رسمی تثبیت می‌کرد، از حکومت فاصله گرفت (Ezzatyar,2016: 191-192) و نهایتاً در سال ۱۳۷۱ درگذشت.

۲. برساخت نظام دانایی مکتب قرآن: منابع و مراجع سوژه‌سازی دینی

«رژیم حقیقت» (Regime of Truth) در اندیشهٔ میشل فوکو به معنای مجموعه‌ای از قواعد، گفتمان‌ها و ساختارهایی است که در یک جامعهٔ مشخص تعیین می‌کنند چه چیزی به عنوان «حقیقت» پذیرفته می‌شود و چگونه میان گزاره‌های درست و نادرست تمایز قائل می‌شوند. فوکو تأکید می‌کرد که حقیقت نه امری بیرون از قدرت، بلکه همیشه در دل مناسبات قدرت شکل می‌گیرد و با آن رابطه دوجانبه دارد؛ یعنی قدرت حقیقت را تولید، تنظیم و توزیع می‌کند و این حقیقت به نوبهٔ خود اثراتی از قدرت را ایجاد می‌کند (Foucault,1977: 13-14).

رژیم حقیقت مشخص می‌کند که: چه نوع گفتمان‌هایی در جامعه به عنوان حقیقت عمل می‌کنند، چه مکانیزم‌ها و نهادهایی برای تفکیک حقیقت از کذب وجود دارد، چه تکنیک‌ها و روش‌هایی برای دستیابی به حقیقت ارزشمند شمرده می‌شوند و همچنین وضعیت و جایگاه کسانی که حق اعلام حقیقت را دارند، چگونه است (Deleuze, 1986: 13, 16). این رژیم همچنین باعث می‌شود که حقیقت به مثابه یک نظام منظم، تحت کنترل و تثبیت قدرت اجتماعی و سیاسی باقی بماند و زمینه کنترل رفتارها و معناها را فراهم آورد (Lawlor and Nale, 2014: 512). فوکو معتقد بود هر جامعه رژیم حقیقت خاص خود را دارد که عملکرد آن «سیستم‌های قدرت–دانش» را سامان می‌دهد و به مثابه چارچوبی عمل می‌کند که حقیقت را به عنوان یک سازوکار مشروعیت‌بخش و نظم‌دهنده اجتماعی حفظ می‌کند (Nadesan, 2008: 201).

نظام دانایی هر جریانی در وهلهٔ نخست به مراجع و منابعی نیاز دارد تا بر پایهٔ آن اصلی‌ترین مبانی فکری و چارچوب‌های آن نظام سامان داده شود. بر همین اساس، هر جریان و مکتبی در رژیم حقیقت خویش منابع و مراجعی را مبنا قرار می‌دهد تا سوژه‌های درون‌گفتمانی به واسطهٔ آنها افکار و افعال خویش را شکل دهند (خسروی و سجادی، ۱۳۹۲: ۴۷). مکتب قرآن نیز سه منبع اصلی را به عنوان مبنای پیروی معتقدان خود معرفی کرده است: نخست کتاب قرآن؛ دوم سنت‌های پیامبر (احادیث)؛ و سوم اجماعی که به توافق جمعی علما و مفسران اشاره دارد (مفتی‌زاده، ۱۳۵۹: تراک ۱۰، د ۸–۱۰).

۲-۱. قرآن مبنایی برای هر نوع اندیشه و کنشی

در دههٔ ۵۰ جامعه کردستان درگیر نزاع‌های گفتمانی بود و هر جریان سعی داشت با استفاده از منابع خود، نظام دانایی خاصی بسازد. ملی‌گرایان کرد به تاریخ و فرهنگ کرد، چپ‌ها (کومله) به جزوات و کتاب‌های مارکسیستی و جریان طریقت نیز به منابع عرفانی روی آوردند. این تنوع منابع، نگرانی احمد مفتی‌زاده و مکتب قرآن را به دنبال داشت. او منابع موجود را ناکافی و تهدیدی برای آیندهٔ انسان مؤمن می‌دانست و به دنبال ایجاد یک نظام دانایی جدید بود. او قرآن را به عنوان اصلی‌ترین ابزار خداشناسی معرفی کرد و براساس آن، چارچوب مفهومی و عملکردی خود را تعریف کرد (مفتی‌زاده، ۱۳۵۷ [الف]: تراک ۱، د ۱-۳) و اینکه تنها راه آزادی انسان بازگشت به قرآن و فهم راستین آن است. تنها کلام خدا از هر نوع تحریفی مصون است و هر آنچه غیر از قرآن است، تحریف‌شده می‌باشد (مفتی‌زاده، ۱۳۵۷ [ب]: د ۲۸-۲۹). این بازگشت به قرآن تجلی‌گر شکل خاصی از قدرت انضباطی است که می‌کوشد منابع و گفتمان‌های رقیب (از جمله ملی‌گرایی، مارکسیسم و عرفان) را بی‌اعتبار کند و هویت مذهبی و سوژهٔ مسلمان مؤمن را به مثابه هویت اصل و برتر تثبیت کند و اینکه امکان برساخت رژیم حقیقت مکتب را فراهم می‌کند.

مفتی‌زاده با اشاره به اینکه تنها قرآن از هر نوع تحریفی مصون است، می‌خواهد نشان دهد که سایر منابع سوژه‌ساز در کردستان اعتبار چندانی ندارند. بر همین اساس، از نظر وی تنها قرآن می‌تواند مردم را به سمت امت واحده دینی بازگرداند و هر آنچه که به دروغ به پیامبر منتسب کرده‌اند، کنار گذاشته شود و باید به قرآن بازگشت (همان، د ۳۰-۳۲). بنابراین بازگشت و ارجاع به قرآن در شرایط آن روز جامعهٔ کردستان، بیانگر این مسئله است که از نظر مکتب کدام جریان‌ها در این نظام دانایی امکان عمل و کنشگری دارند. این کارکرد قدرت انضباطی با تعیین «منبع اصلی» (قرآن) و برچسب زدن به سایر منابع به عنوان «تحریف‌شده» یا «ناکارآمد»، به بازتولید هنجارها و مرزهای گفتمانی می‌پردازد.

مفتی‌زاده برای آنکه بتواند بر اذهان جامعه تأثیر بگذارد و سایر منابع را بی‌اعتبار سازد، بر این عقیده بود که عامل فساد و روی آوردن جامعه به فساد، دور شدن از قرآن و عدم درک مفهوم آن است. اگر معنای راستین قرآن درک شود، جامعه عاری از هرگونه فسادی خواهد شد و تفرق و اختلافی نیز وجود نخواهد داشت (مفتی‌زاده، ۱۳۵۶ [ب]: د ۴-۷). او با این استدلال می‌خواست نشان دهد که منابع و آثار جریان‌های دیگر در کردستان، هیچ‌یک اعتبار کافی ندارند.

به تعبیر فوکویی، می‌توان گفت این نوع قدرت به جای اعمال زور مستقیم، از طریق دانش و گفتمان، «حقیقت» را تعریف و نهادینه می‌کند و افراد را به صورت خودانضباطی به تبعیت درونی از این هنجارها و دانش‌ها سوق می‌دهد و بر پایهٔ آن، نظام دانایی خود را متجلی می‌سازد.

مفتی‌زاده همچنین بر این نظر بود که برای احیای دین باید به قرآن اصلی‌ترین متن دینی ارجاع داد و اسلام را آن‌گونه که آمده است، دوباره زنده کرد (مفتی‌زاده، ۱۳۵۶ [ج]: د ۸–۱۵). بنابراین درد بشریت درمان نمی‌شود مگر با زنده کردن اسلام واقعی با همان پاکی و تمیزی و اصالتش. پس باید اسلام از قرآن شروع کند نه از کتب و مذاهب؛ و نه از آرا و نظرات دانشمندان. همان‌طور که اسلام در آغاز با قرآن شروع شد، دوباره نیز با قرآن شروع شود (حسامی، ۱۳۹۹: ۷۸/۱). در خوانش مفتی‌زاده، احیای دین در گرو بازگشت رادیکال به قرآن به مثابه متن بنیادین و احیای اسلام در اصالت نخستین آن است. این نگاه که خصلتی شریعتی‌وار دارد، بازگشت به خویشتن دینی را نه صرفاً یک انتخاب فکری، بلکه تنها راه درمان دردهای بشریت و احیای هویت اصیل می‌داند. این پروژه، در تحلیل نهایی، فرایندی است که در آن قدرت گفتمانی قرآن به انضباط هویتی و اجتماعی تمام‌عیاری تبدیل می‌شود. این انضباط، با طرد هرگونه واسطه‌ای مانند مذاهب فقهی یا آرای علمای سنتی، در پی تحمیل چارچوبی یکپارچه و پاک‌سازی‌شده از اندیشه و کنش است و سوژهٔ کرد را مطابق با این الگوی ایدئال و یکسان‌ساز بازمی‌سازد.

۲–۲. کنش به مثابه مرجع: سنت (حدیث)

دومین مرجع سوژه‌ساز دینی و رژیم حقیقت در مکتب قرآن، «سنت» و «حدیث» است؛ هرچند دربارهٔ مسئلهٔ احادیث مفتی‌زاده آرای چالش‌برانگیزی دارد و هر نوع حدیثی را مقبول و معتبر نمی‌داند و کتب احادیث را عمدتاً متشتت می‌پندارد. برای سنجش اعتبار احادیث، وی معتقد است که باید با قرآن سنجیده و تطبیق داده شوند؛ به همین دلیل با صراحت اعلام می‌کرد که پرداختن به حدیث بدون تسلط بر قرآن کاری نامشروع و حتی نوعی بی‌احترامی و خیانت به پیامبر و اسلام است (مفتی‌زاده، [بی‌تا]: نامهٔ شماره ۲: ص۸۲؛ Ezzatyar,2016: 167). وی اساسی‌ترین اصل برای تأیید یا رد هر روایت را نخست تطبیق با کتاب و با اصول و موازین اسلام می‌داند و دوم، تطبیق با واقعیات مسلّم (مفتی‌زاده، [بی‌تا]: نامهٔ شماره ۲: ص۱۳۵). درواقع، مفتی‌زاده در تلاش بود تا ابزارها و قواعد گفتمان دینی را بر سوژه‌های دینی اعمال کند تا از رهگذر آن

بتواند بر رفتار و عمل و اندیشهٔ سوژه‌ها تأثیر بگذارد.

مفتی‌زاده برای پذیرش احادیث چهار شرط اساسی برشمرده است: ۱. شناخت جامع از شخصیت راوی؛ ۲. آگاهی از شرایط تاریخی روایت؛ ۳. تسلط بر قرآن؛ ۴. آشنایی با اصول اسلامی (مفتی‌زاده، [بی‌تا]: نامهٔ شماره ۶: صص۶۵، ۶۶؛ فرمانیان و عبدالملکی، ۱۳۹۵: ۷۶). این کنترل معانی و محدودسازی گفتمانی، نشان‌دهندهٔ تلاش برای انحصار قدرت معنایی در رژیم حقیقت مکتب است تا افراد درونی‌ترین باورها و رفتارهای خود را مطابق با قواعد قدرت تنظیم کنند.

مفتی‌زاده تأکید می‌کرد هر روایتی که با قرآن در تعارض باشد، حتی اگر سندش صحیح باشد، مردود است (مفتی‌زاده، [بی‌تا]: نامهٔ شماره ۲: ص۱۳۵). این دیدگاه رادیکال زمانی آشکارتر می‌شود که می‌گوید نه تنها آرای علما، بلکه حتی احادیث موثق نیز در تعارض با قرآن، اعتبار خود را از دست می‌دهند (مفتی‌زاده، (۱۳۵۸ [الف]): ۶۰). او معتقد بود «تنها با نقد بی‌تعصب آرای علما و بازخوانی احادیث در پرتو قرآن می‌توان به وحدت واقعی مسلمانان دست یافت» (مفتی‌زاده، (۱۳۵۸ [الف]): ۶۲). این دیدگاه، هم نشانگر نگاه انقلابی او به سنت اسلامی و هم بیانگر پروژه فکری‌اش برای بازتعریف هویت دینی در کردستان بود. هرچند این دیدگاه و خوانش وی امری بدیع در اسلام نیست، اما مکتب از رهگذار احیای این ایده، به صورت سیستماتیک به مقابله با جریان‌های رقیب مخصوصاً چپ‌ها برمی‌خیزد. همچنین این کارکرد گفتمانی قدرت انضباطی، درواقع ایجاد «هژمونی مذهبی» در نظام دانایی مکتب است که مانع از پیدایش هرگونه گفتمان رقیب در جامعه می‌شود و اینکه معنای ثابتی را برای کنترل بر اذهان و ابدان پیش روی داشته باشد. به هر حال، مکتب قرآن بسان دیگر جریان‌هایی که هر یک نظام دانایی خاص خود را دارند، بر آن است که رژیم حقیقت خود را به گونه‌ای برسازد که ممیزه‌های ویژهٔ خود را داشته باشد.

۲-۳. متولیان سوژه‌ساز: اجماع

سومین مرجع سوژه‌سازی دینی و رژیم حقیقت «مکتب اجماع» است. مسئلهٔ اجماع و ارجاع بدان از سوی مکتب، جلوه‌گر رابطهٔ قدرت و دانش و تولید معانی و هنجار و ضوابط از پیش تعیین‌کننده و قاعده‌مندسازی جامعهٔ دینی کردستان از سوی مکتب می‌باشد. ارجاع به اجماع مبیّن این امر است که مکتب می‌خواهد تعیین کند که چه کسانی یا نهاد از حق برساخت

حقیقت و تولید معانی در نظام دانایی شکل‌گرفته را دارند. از نگاه مفتی‌زاده «اجماع یعنی رأی متفق علیه همه یا اکثریت اعضای شورا. این مفهوم که از أُولِی الْأَمْرِ در ذهن بعضی‌ها نقش بسته است، به واسطهٔ تعبیرهایی است که مزدوران دین‌فروش ساخته‌اند و آن را زمامداران معنا کرده‌اند. چنین سؤال شده است که اهل سنت چه‌طور می‌تواند انقلابی باشد؟ نه عزیزانم، أُولِی الْأَمْرِ به معنی فرمانروایان نیست. همان طور که گفتم أُولِی الْأَمْرِ یعنی شورا (اجماع) (وَ أَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ) و در هر زمانی و هر جامعه ای شورا می‌تواند رمز حرکت و تکان برای جامعه باشد؛ یعنی تبادل نظر آگاهان و اگر (أُولِی الْأَمْرِ) را به معنی فرد بگیریم، چه در حد زمامداری و چه در حد فرماندهی، در هر سطحی، بله در آن موقع تکان انقلابی را از ما می‌گیرد» (مفتی‌زاده، ۱۳۹۵: ۳۳؛ همو، (۱۳۵۷ [الف])، تراک۱، د ۱-۳). می‌توان گفت برقراری اجماع، نوعی انحصارسازی معنایی در رژیم حقیقت مکتب است که از طریق آن مکتب، کنترلی دقیق بر معانی دینی اعمال می‌کند و بدین ترتیب، هرگونه تفسیر مخالف یا جایگزین را به حاشیه می‌راند.

از نظر مکتب، اطاعت از شورا در کارهای جمعی و اجرایی که اصول آن از قرآن و سنت و اجماع گرفته شده باشد، بر تمام افراد و خود اعضای شورا واجب است. رأی و اجماع شوری اساس و حجت است؛ مثل کتاب و سنّت؛ و باید از آن تبعیت شود و انحراف از آن همانند انحراف از قرآن و سنت است. اطاعت از اجماع شورا بر یک رأی، بر تمام افراد مسلمان که یکی از آنها خود خلیفه خواهد بود، واجب شرعی است (حسامی، ۱۳۹۹: ۱۸۷/۱). اجماع در این متن، نه صرفاً به معنای دست یافتن به یک نظر مشترک، بلکه به عنوان ابزاری برای برقراری نظم اجتماعی و دینی است که قواعد شناخت، هنجارها و ضوابط دینی را تثبیت و بازتولید می‌کند. این اجماع به عنوان «مرجع سوم سوژه‌سازی دینی» عمل می‌کند؛ یعنی سازوکاری که از طریق آن هویت‌های دینی شکل می‌گیرند و تضمین می‌شود که «سوژه‌ها» مطابق با چارچوب تعریف‌شده عمل می‌کنند.

نکتهٔ قابل تأمل، مکتب قرآن در مواجهه با موضوعاتی که نص صریح قرآن و سنت یا اجماع علما ندارد، بر این باور است که برای تصمیم‌گیری باید از رأی یک نفر تبعیت کرد؛ اگر فرد مجتهد است از رأی خودش و اگر نیست باید به رأی یک مجتهد آگاه مراجعه کند. وقتی شورا و اجماع وجود نداشته باشد، ظهور مذاهب و دیدگاه‌های مختلف اجتناب‌ناپذیر است و نمی‌توان از آن جلوگیری کرد. این ضرورت قطعی است (حسامی، ۱۳۹۹: ۱۸۱/۱).

به‌طور کلی می‌توان این‌چنین گفت که مکتب از رهگذر ارائهٔ منابع سوژه‌ساز دینی، به دنبال برساخت رژیم حقیقتی است که بر پایهٔ آن چارچوب‌هایی را مشخص و تعیین کند که چه چیزی باید حقیقت و یا طرد شود. بنابراین قرآن، سنت و اجماع در مکتب، مهم‌ترین منابع ایجاد نظام دانایی مکتب محسوب می‌شوند؛ منابعی که مناسبات درون گفتمانی رژیم حقیقت مکتب و نحوهٔ تعامل با دیگری‌ها را مشخص خواهد کرد.

۳. مفصل‌بندی کردن سوژه دینی

مکتب قرآن با محور قرار دادن مفهوم «انسان مؤمن» به عنوان دال مرکزی، به مفصل‌بندی و بازسازی سوژه دینی در کردستان دست زد. در فرایند مفصل‌بندی کردن، عناصر گفتمانی مختلف حول این هسته معنایی سازمان یافته است و هر آنچه خارج از این چارچوب تعریف می‌شد، به عنوان «دیگری» طرد گردید (هوارث، ۱۳۷۷: ۱۶۳)؛ تا هویت نوین و همگونی برای پیروان این رژیم حقیقت ساخته شود.

مفتی‌زاده در روند مفصل‌بندی کردن سوژه، مفهوم انسان مؤمن را به عنوان دال مرکزی در نظر گرفت تا سایر عناصر را گرد آن جمع و هر آنچه را که در دایره گفتمانی نمی‌گنجند، طرد کند. در نتیجه، مفهوم انسان کانونیت پیدا می‌کند و مورد توجه قرار می‌گیرد. به باور مفتی‌زاده، در دنیای امروز ناشناخته‌ترین و فراموش‌شده‌ترین موضوع انسان است. درواقع، به آن میزانی که به مسائل پیرامونی انسان اهمیت داده می‌شود، به خود انسان اعتنایی ندارند. با توجه به اینکه مسائل پیرامونی به انسان ارتباط دارد، در درجهٔ نخست باید به خود انسان توجه کرد (مفتی‌زاده، (۱۳۵۷ [الف])، تراک ۱، د ۱۱–۱۲).

۳–۱. مراحل مفصل‌بندی و درجه‌بندی کردن سوژهٔ دینی در رژیم حقیقت مکتب

احمد مفتی‌زاده در مکتب قرآن، فرایند مفصل‌بندی سوژه دینی را در دو مرحله اصلی تعریف کرده است: نخست شناسایی معرفت‌ها و حقایق بنیادین (به‌ویژه با محوریت قرآن) برای شکل‌دهی به شناخت صحیح و سپس برنامه‌ریزی دقیق و نظام‌مند بر پایهٔ آن شناخت؛ تا از سردرگمی جلوگیری شود (مفتی‌زاده، ۱۳۵۶ [د]: د ۳۶–۳۹). هدف نهایی این فرایند، برساخت «سوژه دینی» از طریق بازگشت به اسلام اصیل عصر پیامبر و دنبال کردن مراحل تربیت، دعوت و جهاد

است؛ که درواقع شکلی از تمرکز قدرت-معرفت برای سازماندهی سوژه‌ها در چارچوب گفتمانی مکتب و تحقق اهداف آن محسوب می‌شود.

مکتب قرآن در راستای مهندسی و برساخت سوژهٔ همگون در نظام دانایی خود، به درجه‌بندی افکار و کنش‌های انسان مؤمن دست زده و آنها را به دو دسته اصولی (اساسی) و فرعی تقسیم کرده است. «اصول» که پایهٔ مسلمانی محسوب می‌شود و بدون آن دین معنا ندارد (مانند توحید، نبوت و معاد)، در اولویت نخست قرار دارد. «فرعیات» اگرچه نبودشان مانع از مسلمان شدن نیست، برای تحقیق در دین ضروری تلقی می‌شوند و عدم باور به برخی از آنها (مانند ایمان به ملائکه) می‌تواند اصول مرتبط را باطل کند (مفتی‌زاده، ۱۳۶۱: د ۱-۲). از طریق این سلسله‌مراتب‌بندی و مفصل‌بندی سوژه، رژیم حقیقت مکتب موقعیت و جایگاه سوژه دینی را مشخص می‌کند تا او بتواند به شکلی نظام‌مند خود را با هنجارهای گفتمانی همگون سازد و مناسبات خود با «دیگری»ها را تعریف کند.

۴. تحلیل روابط سوژه‌ها: هم‌ارز کردن سوژه دینی در سایه منطق تفاوت در رژیم حقیقت مکتب

مکتب قرآن برای تعریف سوژه دینی آرمانی، از منطق هم‌ارزی (اتحاد حول دال مرکزی) و منطق تفاوت (طرد دیگری) بهره می‌برد (Laclau/ Mouffe, 2014: 127-128). مفتی‌زاده سه شاخصهٔ بنیادین را مبنای این تفاوت‌گذاری قرار داده است: معرفت (شناخت نظام‌مند)، جهت‌گیری (موضع ارزشی) و کنش (عمل متناسب) (مفتی‌زاده، ۱۳۵۸ [ب]: د ۱-۴). ایمان حقیقی تنها در انسجام کامل این سه مؤلفه محقق می‌شود؛ به‌طوری که شناختْ جهت‌گیری خاصی را الزام می‌آورد و آن جهت‌گیری نیز به عمل مشخصی منجر می‌گردد. این چارچوب سه‌گانه، معیاری برای هم‌ارزسازی سوژه‌های درون گفتمان و تمایز آنها از «دیگری»های بیرونی فراهم می‌کند.

در نظام دانایی مکتب قرآن، با منطق تفاوت، سه نوع سوژه متمایز می‌شوند. «مؤمن» (سوژه مکتبی آرمانی) کسی است که شناخت دینی، جهت‌گیری الهی و عمل صالح او در انسجام کامل قرار دارند (همان، د ۱۶)؛ «کافر» (نماینده‌ای مانند جریان چپ) هنگامی پدید می‌آید که ناهماهنگی بین شناخت و جهت‌گیری وجود داشته باشد و ایمان به عمل نینجامد (همان، د ۱۰-۱۳)؛ «منافق» (مانند پیروان طریقت یا ملاهای درباری) خطرناک‌ترین سوژه است؛ زیرا علی‌رغم تضاد درونی بین شناخت و جهت‌گیری، تظاهر به عمل صالح می‌کند و این ناسازگاری را پنهان می‌سازد (مفتی‌زاده، ۱۳۶۱: د ۲۰-۲۵).

جدول شمارهٔ ۱. جدول شناسایی اجزای تشکیل‌دهنده اصطلاحات ردیف دوم

اصطلاح‌ها / اجزای معنی		شناخت و تصور	تصدیق و پذیرش قلبی	پذیرش ظاهری (عمل)
مؤمن		+	+	–
غیر مسلمان	اهل فتره	–	–	–
	کافر	+	–	–
	منافق	+	–	+

منبع: مفتی‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۳۵

بدین ترتیب، این تفاوت‌گذاری سه‌گانه در رژیم حقیقت مکتب و برساخت سوژه، چند کارکرد اساسی دارد: ۱. انسجام‌بخشی درونی (ایجاد زنجیرهٔ هم‌ارزی میان پیروان مکتب)؛ ۲. مرزبندی برونی؛ طرد گفتمان‌های رقیب (چپ، ملی‌گرا، سنتی)؛ ۳. مهندسی اجتماعی (ارائهٔ معیاری برای تشخیص یاران و نیاران).

۵. سطح‌بندی روابط مسلمان با غیرمسلمان بر پایهٔ منطق هم‌ارز و تفاوت

در رژیم‌های حقیقت، «انضباط» سازوکار قدرت است که با آن به کنترل ریزترین عناصر در بدن اجتماعی نائل می‌شوند و با این عناصر به تأثیرگذاری بر خود ذرات اجتماعی دست می‌یابند. همچنین انضباطْ تکنیک‌های فردیت‌ساز قدرت را به وجود می‌آورد که چگونه هر کسی مراقبت شود، چگونه رفتار، سلوک و تمایلاتش کنترل شود، چگونه عملکردش تقویت شود، چگونه توانایی‌ها و قابلیت‌هایش افزایش یابد، چگونه در جایی قرار گیرد که در آنجا مفیدتر است (فوکو، ۱۳۹۱ [پ]: ۱۸۶؛ فوکو، ۱۳۹۱ [ب]: ۱۸۸). بر پایهٔ این تحلیل فوکویی از مکتب، می‌توان گفت که مکتب نیز برای کنترل و قرار دادن انسان مؤمن در جای خود، از تکنیک انضباط بهره می‌گیرد و به سطح‌بندی کردن سوژه‌ها می‌پردازد.

مفتی‌زاده در چارچوب مکتب قرآن، روابط انسان مؤمن با «دیگری»های دینی و اجتماعی را به صورت سطح‌بندی‌شده و نظام‌مند بررسی کرده تا امکان تعامل و تمایز بین مسلمانان و غیرمسلمانان

را به وضوح مشخص سازد. وی بر پایهٔ سه سطح ضوابط عقیدتی، اخلاقی و سیاسی مسلمان، مکتبی را برای مواجهه با مسلمانان و دیگری‌های مختلف از جمله اهل فتره، کافر و منافق تعیین کرده است.

۵-۱. بررسی روابط عقیدتی انسان مکتبی با غیرمسلمان در چارچوب رژیم حقیقت مکتب

سطح روابط اعتقادی انسان مکتبی در رژیم حقیقت مکتب، در چهار ضابطه تعیین شده است که نحوهٔ عملکرد اعتقادی سوژهٔ دینی را متعین می‌کند و باید متناسب با آن عمل کنند.

جدول شمارهٔ ۲. جدول ضوابط روابط عقیدتی مسلمانان مکتبی

رابطه / ضابطه	با مسلمان	با غیرمسلمان		
		اهل فتره	کافر	منافق
بحث به خاطر مزید آگاهی و رفع ابهام	+ در صورت فراهم بودن شرایط	–	–	–
بحث تعصب‌آمیز مذهبی یا دینی	–	–	–	–
تبلیغ مکتبی (انذار و تبشیر) با حکمت و صمیمیت	– مگر گاهی	+	–	–
افشای بطلان عقیده	– مگر گاهی	–	+	گاهی + و گاهی –

منبع: مفتی‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۴۴

در رژیم حقیقت مکتب قرآن، روابط اعتقادی سوژهٔ مؤمن در چهار سطح کنترل‌شده تعریف می‌شود: ۱. گفت‌وگو و تبادل نظر تنها با «خودی‌ها» (مسلمانان) مجاز است و با غیرمسلمانان ممنوع است؛ ۲. مجادله و جدل با هر کس (اعم از خودی و غیرخودی) به دلیل تهدید انسجام گفتمانی ممنوع است؛ ۳. تبلیغ و تبشیر تنها به شیوه‌ای حکیمانه و صرفاً نسبت به مسلمانان و اهل فتره (سوژه‌های در حال گذار) مجاز است و در مورد کافر و منافق ممنوع است؛ ۴. افشای بطلان باورها نسبت به باورهای مسلمانان در حد محدود جایز است، ولی در مورد اهل فتره موضوعیت ندارد. در مقابل، افشای باورهای کافر و منافق ضروری شمرده می‌شود. هدف نهایی این چارچوب، حفظ انسجام درونی و جلوگیری از گسست هویتی سوژه است (مفتی‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۴۴).

غایت نهایی این سطوح، حفظ انسجام گفتمانی و تضمین تداوم تولید حقیقت در چارچوب مفروضات مکتب است؛ به گونه‌ای که سوژه در مدار هویتی و کنشی تعریف‌شده باقی بماند و از هرگونه گسست یا انحراف مصون بماند.

۵-۲. بررسی روابط اخلاقی انسان مکتبی با غیرمسلمانان

از نظر فوکو، قدرت نه تنها سطوح بلکه ریزترین لایه‌های اجتماعی را نیز هدف قرار می‌دهد تا کنش‌های افراد را بهتر کنترل و هدایت‌پذیر کند (فوکو، ۱۳۹۱ [الف]: ۱۰۸). بر همین اساس، مکتب نیز در رژیم حقیقت خود، خردترین لایه‌های اجتماعی را هدف قرار داده است. بدین‌ترتیب، بُعد دیگری که در رژیم حقیقت مکتب انسان مکتبی باید روابط خود را براساس آن تعریف کند، رابطه و تعامل اخلاقی با غیرمسلمانان است.

جدول شمارهٔ ۳. جدول ضوابط و روابط اخلاقی مسلمان مکتبی

رابطه / ضابطه	با مسلمان	با غیرمسلمان		
		اهل فتره	کافر	منافق
راهنمایی و تذکر صمیمانه (نصیحت)	+	+	–	–
مشاوره (در مسائل شخصی)	گاهی +	گاهی +	–	–
تواضع و گذشت در حال عدم قدرت (در امور شخصی)	–	–	–	–
محبت و خیرخواهی برادرانه	+	+	گاهی +	گاهی +
روابط مبنی بر (بر و قسط)	+	+	–	گاهی +
دفاع از جان و مال و حقوق دیگر	+	+	گاهی +	گاهی +
عدم تجاوز به جان و مال (و) سایر حقوق	+	+	+	+
رعایت عدل و داد در قضاوت و معامله	+	+	+	+
محبت و دوست داشتن عادی	+	+	–	–

منبع: مفتی‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۴۸

در این نظام، کنش‌های اخلاقی مانند نصیحت و محبت صرفاً در درون مرزهای گفتمانی «خودی»ها (مسلمانان و اهل فتره) مشروع است تا انسجام درونی تقویت شود؛ درحالی‌که هرگونه گفت‌وگوی تربیتی با «دیگری مطلق» (کافر و منافق) به دلیل ترس از استحالهٔ هویتی، ممنوع است. اقتصاد عاطفی و اخلاقی مکتب کاملاً ابزاری و سلسله‌مراتبی است؛ احسان و عدالت نسبت به کافر نامشروع است و نسبت به منافق در وضعیتی دوگانه قرار دارد. حتی رفتارهای روزمره مانند دفاع از خودی‌ها یا انصاف در معامله، با محاسبات استراتژیک برای حفظ مرزهای گفتمانی و جذب احتمالی دیگران کدگذاری شده‌اند. در نهایت، محبت ناب تنها به خودی‌ها اختصاص دارد و نسبت به کافر و منافق غیرممکن تلقی می‌شود (مفتی‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۴۸).

به‌طور خلاصه، رژیم حقیقت مکتب نه تنها به تعریف هویت دینی سوژه کمک می‌کند، بلکه با ترسیم مرزهای گفتمانی و اخلاقی، سوژه را در یک چارچوب خاص قرار می‌دهد که در آن، تعاملات اجتماعی و اخلاقی به شدت تحت تأثیر ساختارهای قدرت و گفتمان‌های موجود قرار دارد.

۵-۳. بررسی روابط سیاسی انسان مکتبی با غیرمسلمان

رژیم‌های حقیقت در فرایند سوژه‌سازی در تلاش‌اند که به گونه‌ای سوژه‌ها را هدایت و رؤیت‌پذیر کنند که کمترین مقاومتی را در برابر خود داشته باشند. برای تحقق چنین خواستی، سوژه‌ها را به خودسازی وا می‌دارند تا مجموعه‌ای از قواعد را در درون خویش نهادینه کند (فوکو، ۱۳۹۷: ۱۳۱). در رژیم حقیقت مکتب در بُعد سیاسی نیز مجموعه‌ای از قواعد تعریف شده است که نحوهٔ تعاملات سیاسی فرد مسلمان با غیرمسلمان و مرزبندی آن تعریف شده است که سوژه دینی چگونه از فرایند خودسازی با دیگری‌ها تعامل داشته باشد.

جدول شمارهٔ ۴. جدول ضوابط و روابط سیاسی مسلمان مکتبی

رابطه / ضابطه	با مسلمان	با غیرمسلمان		
		اهل فتره	کافر	منافق
اتخاذ بطانه (بحث مسائل سیاسی مخفی)	+	–	–	–
اتخاذ ولیجه (بحث مسائل نیمه‌مخفی جامعه)	+	–	–	–
اعتماد (بحث مسائل سیاسی علنی جامعه)	+	گاهی +	–	–
برات یا تبری (تنفر و سوءظن)	–	–	–	+ مگر گاهی
مواده یا القای مودت (دوستی سیاسی)	+	+	–	–
تواضع سیاسی	اصولاً مطرح نیست	گاهی –	–	–
اعتزاز و تکبر سیاسی	اصولاً مطرح نیست	گاهی +	+	+
سازش و اهمال در موازین مکتبی	اصولاً مطرح نیست	–	–	–
سازش و اهمال در مصالح جامعه	اصولاً مطرح نیست	–	–	–
عدم تجاوز به حقوق	+	+	+	+
تعاون بر (برّ و تقوا)	+	+	—	—
دفاع از حقوق	+	+	– مگر گاهی	– مگر گاهی
روابط مبتنی بر (برّ و قسط)	+	+	–	– مگر گاهی
نصیحت (تذکر دوستانه و غیرمحرمانه)	+	+	—	—
تذکر دوستانه و غیرمحرمانه	گاهی +	گاهی +	–	–
افشاگری و رسواسازی	گاهی +	گاهی +	+	+
مقابله با حد استفاده از سلاح	گاهی +	گاهی +	+	+

منبع: مفتی‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۵۰

در رژیم حقیقت مکتب قرآن، تعاملات سیاسی سوژه مؤمن با دیگران براساس قواعد دقیق و سلسله‌مراتبی تعریف شده است. این چارچوب که با هدف خودسازی و کنترل سوژه طراحی شده است، گفت‌وگوهای سیاسی را با مسلمانان و گاه اهل فتره مجاز می‌داند، اما هرگونه مباحثه با کافر و منافق را ممنوع می‌کند. در حوزهٔ اتحاد، دوستی و دفاع، تعامل مثبت تنها با خودی‌ها (مسلمانان و اهل فتره) جایز است؛ درحالی‌که در برابر کافر و منافق، موضعی مبتنی بر طرد، افشاگری و حتی اعمال قوه قهریه اتخاذ می‌شود. اصل «تبری» (بیزاری) تنها در مورد منافق قابل تعلیق است. این نظام با ممنوع کردن سازش با جریانات بیرونی و تعرض به حقوق دیگران، سوژه را در یک چارچوب هژمونیک هدایت می‌کند تا هویت سیاسی–دینی یکپارچه‌ای را در خدمت حکومت اسلامی حفظ و تقویت کند (مفتی‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۵۰).

به‌طور کلی این جدول بازتاب یک «مفصل‌بندی» دقیق در فرایند سوژه‌سازی سیاسی–دینی است که سوژهٔ مکتبی را در چارچوب رژیم حقیقت، با مرزبندی‌های معرفتی–قدرتی مشخص می‌کند. این مفصل‌بندی سوژه را هدایت می‌کند که چگونه در عرصه‌های سیاسی رفتار کند و چه اقداماتی را مجاز یا ممنوع بداند.

نتیجه‌گیری

بررسی‌های روند برساخت سوژهٔ دینی در مکتب قرآن، حاکی از این است که مکتب قرآن برای آنکه بتواند خود را در برابر دیگری‌هایی چون ملی‌گراهای کرد، چپ‌ها (کومله) و جریان طریقت سامان دهد و مرزبندی و حدود مشخصی داشته باشد، نظام دانایی یا رژیم حقیقت خود را برساخته است؛ رژیم حقیقتی که مبانی و چارچوب و ساختارها و تعاملا مکتب را تعیین می‌کرد و هویتی تعریف‌شده و متمایز را بدان می‌داد. رژیم حقیقت مکتب در وهلهٔ نخست برای سوژه‌سازی دینی و تعیین مبانی کنشگری در مکتب منابع و مراجع سوژه‌ساز، قرآن، سنت، اجتماع و بعضاً رأی مجتهد را اصلی‌ترین و مهم‌ترین منابع تعریف کرده بود که در این میان، قرآن مبنای هر نوع کنش و اندیشه‌ای در نظر گرفته شد و سایر منابع (سنت و اجماع) نیز تا زمانی اعتبار داشتند که با متن قرآن سنخیت و در تناسب بوده باشند.

از سوی دیگر، یافته‌ها نشان می‌دهد که رژیم حقیقت مکتب، به مفصل‌بندی کردن سوژهٔ دینی پرداخته است تا بر پایهٔ آن، درجه‌بندی کنش و عمل انسان مؤمن مکتبی را تعیین کند که

چه مبانی و قواعد درون گفتمان دینی در تقابل با دیگری‌ها را دارد. همچنین رژیم حقیقت مکتب به تحلیل روابط سوژه‌ها در سایه منطق هم‌ارز و تفاوت پرداخته است. برای تحلیل روابط سوژه‌ها، ابتدا شاخصه‌هایی را برای تعیین ماهیت مسلمان مکتبی (شناخت، موضع و عمل) تعیین کرده و براساس آن سه سوژهٔ مؤمن (مسلم)، کافر و منافق را نیز تعریف کرده است. درواقع، این شاخصه‌ها از ارکان اصلی و تعیین‌کنندهٔ تعریف سوژه دینی و غیردینی در مکتب می‌باشند که هر فردی که شناخت و موضع و عملش با هم همخوانی داشته باشد، مؤمن به شمار می‌رود. در ادامهٔ تحلیل روابط سوژه، رژیم حقیقت مکتب در سه بُعد نحوهٔ تعامل مسلمان مکتبی را با غیرمسلمانان در سه بُعد اعتقادی، اخلاقی و سیاسی تعیین می‌کند تا سوژه دینی بر پایهٔ آن، تعاملات خود را سامان دهد.

منابع و مآخذ

- *اسناد حزب دموکرات کردستان* (۱۴۰۰)، ج۱، [بی‌جا]: مرکز نشر حزب دموکرات کردستان ایران.
- بلوریان، غنی (۲۰۰۸)، *سده رخدادهای ناگوار (فاجعه)*، سلیمانی: نشر مرکز ژین.
- حسامی، علی (۱۳۹۹)، *ما و انقلاب*، ج۱، ۲، اربیل عراق: نشر التفسیر.
- حسینی، مجید (۲۰۲۱)، *شهری کوچک و مبارزاتی بزرگ*، [بی‌جا]: [بی‌نا].
- خسروی، جمال و امیر سجادی (۱۳۹۲)، «جامعه‌شناسی تاریخی؛ تبیین‌های تعمیم‌پذیر یا روایت‌های گوناگون»، *فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام*، س۵، ش۱۶، صص۳۷-۶۰.
https://journal.pte.ac.ir/article-1-263-fa.html
- خسروی، جمال و حسین کچویان (تابستان ۱۳۹۱)، «اسلام‌گرایی در کردستان و چالش‌های ناسیونالیسم کردی و واگرایی؛ علل و زمینه‌ها (نمونهٔ موردی: تطورات گفتمان مکتب قرآن)»، *مجله راهبرد اجتماعی فرهنگی*، س۱، ش۳، صص۳۹-۷۴. https://www.noormags.ir/view/en/articlepage/1119705
- راه‌حق، دنیا (۱۳۹۱)، «بررسی جریان مکتب قرآن و تأثیر آن بر مسائل سیاسی کردستان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرکزی تهران.
- عبدالله، سروت (۲۰۲۳)، *رهبری کاریزما و مکتبی عمل‌گرا*، سلیمانی: نشر سیما.
- فرمانیان، مهدی و پیام عبدالملکی (بهار و تابستان ۱۳۹۵)، «جریان مکتب قرآن کردستان؛ قرائتی نو در سلفی گری»، *سلفی‌پژوهی*، س۲، ش۳، صص۶۹-۹۴.
- فوکو، میشل (۱۳۹۱ [الف])، *اراده به دانستن*، ترجمهٔ نیکو سرخوش و افشین جهاندیده، تهران: نشر نی.
- ..... (۱۳۹۱ [ب])، *تئاتر فلسفه*، ترجمهٔ نیکو سرخوش و افشین جهاندیده، تهران: نشر نی.
- ..... (۱۳۹۱ [پ])، *مراقبت و تنبیه*، ترجمهٔ نیکو سرخوش و افشین جهاندیده، تهران: نشر نی.

- ..... (۱۳۹۷)، *نقد چیست و پرورش خود*، ترجمهٔ نیکو سرخوش و افشین جهاندیده، تهران: نشر نی.
- قانعی‌فرد، عرفان (۱۳۹۰)، *تندباد حوادث؛ گفت‌و گویی با عیسی پژمان*، تهران: نشر علمی.
- مصطفی سلطانی، ملکه (۲۰۲۴)، *سیبه‌ری قه‌له به‌رد*، سوئد: کتاب ۲۴.
- مفتی‌زاده، احمد (۱۳۵۶ [الف])، *مسئولیت انسان در برابر خود و دیگران*، روستای نگل [فایل صوتی، زبان: کردی].
- ..... (۱۳۵۶ [ب])، *هدف از تأسیس مدرسه قرآن*، مدرسه قرآن سنندج [فایل صوتی، زبان: کردی].
- ..... (۱۳۵۶ [ج])، *آخرین خطبه جمعه: علل ارسال رسل، موانع وحدت در کردستان*، مسجد جامع امین [فایل صوتی، زبان: کردی].
- ..... (۱۳۵۶ [د])، *شروع کلاس زنان مدارس قرآن: مراحل مختلف مدرسه قرآن* (۱۳۵۶/۵/۱۲)، سنندج: [فایل صوتی، زبان: کردی].
- ..... (۱۳۵۷ [الف])، *خداشناسی*، [بی‌جا]، [فایل صوتی، زبان: کردی].
- ..... (۱۳۵۷ [ب])، *بیگانگی با قرآن*، حسینیه سنندج [فایل صوتی، زبان: فارسی].
- ..... (۱۳۵۷ [پ])، *جبر و اختیار*، سنندج: صندوق خیریه [فایل صوتی].
- ..... (۱۳۵۸ [الف])، *حکومت اسلامی*، [بی‌جا]: [فایل صوتی، زبان: کردی].
- ..... (۱۳۵۸ [ب])، *فرق ایمان و اسلام: تفاوت کفر و نفاق*، کرمانشاه [فایل صوتی، زبان: کردی].
- ..... (۱۳۵۹)، *دین و انسان*، کرمانشاه [فایل صوتی، زبان: کردی و فارسی].
- ..... (۱۳۶۱)، *ارتباط انسان و ملائکه، وظیفه مسلمان در جامعه*، کرمانشاه [فایل صوتی، زبان: کردی].
- ..... (۱۳۸۵)، *درباره کردستان*، سنندج: نشر نور.
- ..... (۱۳۹۵)، *جزوه وحدت اسلامی*، تدوین شورای مدیریت مکتب قرآن.
- ..... [بی‌تا]، *مجموعه نامه‌های احمد مفتی‌زاده*، نامه شماره ۲ و ۸.
- ولی، عباس (۲۰۲۴)، *کردها و دولت در ایران*، ترجمهٔ ناشناس، سوئد: [بی‌جا].
- هادی‌فر، محمد (۱۳۹۸)، «بررسی اندیشه‌های کلامی مکتب قرآن و نقدهای وارد بر آن»، رساله دکتری، دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی.
- هوارث، دیوید (۱۳۷۷)، «نظریهٔ گفتمان»، ترجمهٔ سید علی‌اصغر سلطانی، *فصلنامه علوم سیاسی*، ش۲، صص۱۵۶-۱۸۳. https://psq.bou.ac.ir/article_7455.html

منابع لاتین

- Deleuze, Gilles (1986), *Foucault*, Paris: Minuit.
- Ezzatyar, Ali (2016), *The Last Mufti of Iranian Kurdistan*, New York, Springer Nature.
- Foucault, Michel (1977), *The political intellectual function of the intellectual*, centre for contemporary cultural studies university of Birmingham.
- …… (2003). *Abnormal: lectures at the College de France 1974-1975*, Verso, translate by

Graham Burchell.
- Laclau, E. & C. Mouffe (2014), *Hegemony and Socialist Strategy (Towards a Radical Democratic Politics)*, verso, London/ New York.
- Lawlor, Leonard & John Nale (2014), *THE CAMBRIDGE FOUCAULT LEXICON*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Nadesan, Majia Holmer (2008), *Governmentality, Biopower, and Everyday Life*, first published by Routledg.

References (Translation)

- Abdollah, Sarvat (2023), Charismatic Leadership and a Pragmatic School, Sulaymāniyyah: Sīmā Publications. **[In Persian]**
- Bolourian, Ghani (2008), The Century of Disastrous Events (Tragedy), Sulaymaniyyah: ǰīn Center Publications. **[In Persian]**
- Democratic Kurdistan Party Documents (2021), vol. 1, [n.p]: Kurdistan Democratic Party of Iran Publishing Center. **[In Persian]**
- Faramanian, Mahdi, and Peyam Abd al-Maleki (2016), "The Maktab-e Quran Movement of Kurdistan; A New Reading of Salafism," Salafism Studies, vol. 2, no. 3, pp. 69–94. **[In Persian]**
- Foucault, Michel (2012a), The History of Sexuality, Vol. 1: An Introduction, trans. Nikou Sarkhosh and Afshinn Jahandideh, Tehran: Našr-e Ney. **[In Persian]**
- Foucault, Michel (2012b), Theatre of Philosophy, trans. Nikou Sarkhosh and Afshinn Jahandideh, Tehran: Našr-e Ney. **[In Persian]**
- Foucault, Michel (2012c), Discipline and Punish: The Birth of the Prison, trans. Nikou Sarkhosh and Afshinn Jahandideh, Tehran: Našr-e Ney. **[In Persian]**
- Foucault, Michel (2018), What is Critique? and Self-Cultivation, trans. Nikou Sarkhosh and Afshinn Jahandideh, Tehran: Našr-e Ney. **[In Persian]**
- Hadi-far, Mohammad (2019), "An Investigation into the Theological Thoughts of the Maktab-e Quran and the Critiques Directed at It," Ph.D. Dissertation, University of Religions and Denominations. **[In Persian]**
- Hesami, Ali (2020), We and the Revolution, vols. 1, 2, Erbil, Iraq: Tafsīr Publications. **[In Persian]**
- Hosseini, Majid (2021), A Small Town and Great Struggles, [np]: [n.p]. **[In Persian]**
- Howarth, David (1998), "Discourse Theory," trans. Seyyed Ali-Asghar Solṭani, Political Science Quarterly, no. 2, pp. 156–183. URL: https://psq.bou.ac.ir/article_7455.html **[In Persian]**
- Khousravi, Jamal, and Amir Sajadi (2013), "Historical Sociology: Generalizable Explanations or Diverse Narratives," Quarterly Journal of Islamic History Studies, vol. 5, no. 16, pp. 37–60. **[In Persian]**
- Khousravi, Jamal, and Hossein Kachouyan (2012), "Islamism in Kurdistan and the Challenges of Kurdish Nationalism and Divergence; Causes and Contexts (Case Study: Developments in the Maktab-e Qorʾān Discourse)," Journal of Social and Cultural Strategy, vol. 1, no. 3, pp. 39–74. **[In Persian]**

- Mofti-zadeh, Ahmad (1977a), Human Responsibility Towards Self and Others, Negel Village [Audio file, Language: Kurdish]. **[In Persian]**
- Mofti-zadeh, Ahmad (1977b), The Purpose of Establishing the Quran School, Sanandaj Quran School [Audio file, Language: Kurdish]. **[In Persian]**
- Mofti-zadeh, Ahmad (1977c), Last Friday Sermon: Causes of Sending Messengers, Obstacles to Unity in Kurdistan, Jāmeʿ Amin Mosque [Audio file, Language: Kurdish]. **[In Persian]**
- Mofti-zadeh, Ahmad (1977d), Beginning of Women's Classes in Quran Schools: Various Stages of the Quran School (1977/08/03), Sanandaj: [Audio file, Language: Kurdish]. **[In Persian]**
- Mofti-zadeh, Ahmad (1978a), Theology, [Place of publication not identified], [Audio file, Language: Kurdish]. **[In Persian]**
- Mofti-zadeh, Ahmad (1978b), Alienation from the Quran, Sanandaj Hūseynīyeh [Audio file, Language: Persian]. **[In Persian]**
- Mofti-zadeh, Ahmad (1978c), Determinism and Free Will, Sanandaj: Khayrīyeh Fund [Audio file]. **[In Persian]**
- Mofti-zadeh, Ahmad (1979a), Islamic Governance, [Place of publication not identified]: [Audio file, Language: Kurdish]. **[In Persian]**
- Mofti-zadeh, Ahmad (1979b), The Difference Between Faith and Islam: The Distinction Between Disbelief and Hypocrisy, Kermanshah [Audio file, Language: Kurdish]. **[In Persian]**
- Mofti-zadeh, Ahmad (1980), Religion and Man, Kermanshah [Audio file, Language: Kurdish and Persian]. **[In Persian]**
- Mofti-zadeh, Ahmad (1982), The Connection Between Humans and Angels, The Duty of a Muslim in Society, Kermanshah [Audio file, Language: Kurdish]. **[In Persian]**
- Mofti-zadeh, Ahmad (2006), About Kurdistan, Sanandaj: Nūr Publications. **[In Persian]**
- Mofti-zadeh, Ahmad (2016), Pamphlet on Islamic Unity, compiled by the Management Council of Maktab-e Qorʾān. **[In Persian]**
- Mofti-zadeh, Ahmad [n.d.], Collection of Ahmad Mof tī-zādeh's Letters, Letter No. 2 and 8. **[In Persian]**
- Mustafa Soltani, Malakeh (2024), Sîberî Qelehere Bard, Sweden: Ketāb 24. **[In Persian]**
- Qanei-fard, Erfan (2011), The Whirlwind of Incidents: A Conversation with Isa Pejman, Tehran: 'Elmī Publications. **[In Persian]**
- Rah-e Haq, Donya (2012), "An Examination of the Maktab-e Quran Movement and Its Influence on Kurdistan's Political Issues," Master's thesis, Islamic Azad University, Central Tehran Branch. **[In Persian]**
- Vali, Abbas (2024), The Kurds and the State in Iran, trans. [Unknown/Anonymous], Sweden: [n.p]. **[In Persian]**